



### به بهانه شکست تیم ملی فوتبال نوجوانان در جام ملت‌های آسیا در جست‌وجوی مقصر



صدای حذف تیم ملی فوتبال نوجوانان در مرحله گروهی جام ملت‌های آسیا، آنقدر بلند بود که دیوارهای ساختمان سنول را لرزاند و طنینش، از طبقه‌های بالای وزارت ورزش هم پیچید. ماجرا فراتر از یک شکست فوتبالی بود؛ تلنگری بود به یک مسیر فرسوده که سال‌هاست با وصله‌پینه و امید به معجزه، بچه‌هایی را به زمین می‌فرستد که قرار است آینده تیم ملی باشند اما بیشتر به قربانیان بی‌برنامگی شباهت دارند.



زهرة فلاح‌زاده

پاسخ اما دیر نیامد. جلسه‌ای با حضور مسؤولان فدراسیون و مشاوران وزارت ورزش برگزار شد؛ نشست با بوی اعتراض از دل همین جلسه، گزارش‌هایی بیرون آمد؛ از روند آماده‌سازی گرفته تا تحلیل دلایل حذف. سیدمحمدشروین اسبقیان، معاون وزیر ورزش، صراحتاً گفت هم فدراسیون دلخور است و هم وزارتخانه نگران. نتیجه؟ نوشتن برنامه‌های ۵ ساله برای نوجوانان، انگار مشکل فقط زمان بوده، نه شیوه!

#### ■ شایعه‌هایی که دیگر فقط «شایعه» نیست

اما آنچه بیش از شکست، توجه افکار عمومی را جلب کرد، یک زمزمه تکراری بود؛ شایعه انتخاب بازیکنانی نه به دلایل استعداد، بلکه به‌خاطر حساب بانکی خانواده‌هایشان! اینکه بعضی چهره‌ها به پیراهن تیم ملی رسیدند اما نه با کفش استوک، بلکه با ماشین‌های میلیاردی پدرانشان. اسبقیان البته این را هم شنیده. گفته این حرف‌ها را از رسانه‌ها شنیده‌ایم و بررسی خواهیم کرد. گفته سرمربی تیم، موضوع را تکذیب کرده اما بررسی نظارتی آغاز شده. گفته اگر چیزی خارج از قاعده رخ داده، مسؤولان باید پاسخ بدهند. همین جمله آخر کافی است تا آمیدی هر چند اندک شکل بگیرد که این بار، ماجرا به باگانی نرود؛ که شاید برای یک بار هم شده، در فوتبال پایه، پای حساب‌کشی به میان بیاید.

#### ■ تیم ملی امید، بلا تکلیف در ایستگاه المپیک

در سمت دیگر، تیم ملی فوتبال امید ایستاده تیمی که ۵۲ سال است با رؤیای المپیک زندگی می‌کند اما همیشه قبل از سوت آغاز، از رقابت حذف می‌شود. این روزها، این تیم بدون سرمربی است. بدون اردو، بدون برنامه. انگار هیچ‌کس بساوار ندارد این تیم هم ممکن است راهی به المپیک پیدا کند.

وزارت ورزش البته گفته دغدغه دارد. گفته انتخاب سرمربی در اولویت است. گفته فدراسیون قول داده به‌زودی تصمیم بگیرد. اما همین «به‌زودی»هایی که عادت کرده‌ایم به تأخیرشان، گاهی یک نسل را از قطار پیشرفت جامی می‌گذارد. امید آخرین ایستگاه فوتبال پایه است. اگر همین هم رها شود، فوتبال بزرگسالان باید سال‌های آینده را با تیمی از ناپختگان سپری کند.

#### ■ پشت لبخندهای دیپلماتیک، یک بحران ساختاری پنهان است

آنچه امروز در تیم ملی فوتبال نوجوانان رخ داده، نتیجه نیست؛ نشانه است. نشانه‌ای از بی‌نقشه بودن، از نبود سیستم کشف استعداد، از فرسودگی مربیان پایه، از سیاست‌های روزمره و گاه از مناسباتی فراتر از فوتبال. این بحران، پشت لبخندهای دیپلماتیک و وعده نشست‌های بررسی و هماهنگی، پنهان نمی‌ماند. دیر یا زود، دوباره خودش را نشان خواهد داد؛ در جام‌جهانی نوجوانان، در مسابقات آسیایی امید، یا حتی در زمین آزادی.

کار فوتبال پایه، شبیه کاشتن درخت است. با صرف‌کاشت، درخت بار نمی‌دهد. با بودجه قطره‌ای، باغ نمی‌روید. با مربیانی که نیمی از وقت‌شان صرف پارکی و تیم دیگر صرف بقاقت، نمی‌شود نسل‌سازی کرد. فوتبال پایه، نه از ستاد می‌گذرد، نه از تبلیغات. از زمین‌های خاکی می‌گذرد و از آدم‌هایی که بی‌چشمداشت، وقت و اعتبارشان را خرج می‌کنند.

#### ■ به آینده نیاز داریم که انتخابی باشد، نه انتصابی

اگر نوجوانان امروز، تنها با روابط به تیم ملی راه پیدا کرده باشند، فردای فوتبال ایران دیگر آمیدی ندارد. اگر تیم امید، فقط با تصمیمات دقیقه ۹۰ و مربیان سازشکار بسته شود، مسیر المپیک همچنان بسته خواهد ماند. فوتبال ملی، آینده‌ای از چیزی است که در پشت صحنه می‌گذرد.

حالا نوبت نهادهای مسؤول است که شفاف عمل کنند. اگر شایعات درست است، برخورد باید علنی باشد. اگر غلط است، پاسخ باید قانع‌کننده باشد. مهم‌تر از همه، مسیری باید آغاز شود که در آن نوجوانان بااستعداد، از دل خاک بدرخشند، نه از دسته چک. این‌بار هم می‌توانیم صورت مساله را پاک کنیم و در بازی‌های بعد، دنبال معجزه باشیم. اما اگر تصمیم بگیریم آینده را از همین حالا باز نویسی کنیم، شاید برای یک‌بار هم که شده، نوجوانی فوتبال ایران، فرصت بلوغ پیدا کند.

### مورایس تا کاناوارو؛ بررسی گزینه‌های روی میز آبی‌ها برای فصل آینده

# بزنگاه انتخاب



سفر چند روزه ۲ تن از مدیران باشگاه استقلال به اروپا به پایان رسید و آنطور که منابع آگاه می‌گویند، این سفر نه فقط یک ماموریت اداری، بلکه برنامه‌ای هدفمند برای مذاکره با چند سرمربی شناخته‌شده فوتبال جهان بوده است. استقلال در یکی از حساس‌ترین فصل‌های نقل و انتقالاتی خود، به دنبال انتخاب سرمربی‌ای است که هم از پس مدیریت شرایط خاص باشگاه بر بیاید، هم بتواند تیم را به ریل قهرمانی بازگرداند.



بارید بهرادر

نظری جویباری و تاجر نیبا، ۲ چهره تصمیم‌ساز در ساختار کنونی باشگاه استقلال، با بازگشت از این سفر اروپایی، حالا فهرستی از نام‌های معتبر را به هیأت مدیره ارائه داده‌اند. فهرستی که در کنار شباهت‌های فنی، تفاوت‌های جدی در شخصیت و پیشینه مربیان دارد.

#### ■ مورایس؛ نزدیک‌ترین گزینه

از میان تمام نام‌هایی که در این روزها پیرامون نیمکت استقلال شنیده شده، ژوزه مورایس پرتغالی را باید جدی‌ترین و شاید واقع‌بینانه‌ترین گزینه دانست. او پیش‌تر با سپاهان در لیگ برتر ایران کار کرده و با فضای فوتبال ایران، چالش‌های آن و البته حساسیت‌های هواداران خوبی آشناست. تجربه نسبتاً موفق او با سپاهان، موجب شده مدیران استقلال با اطمینان بیشتری وارد مذاکره با این مربی شوند.

بر اساس گزارش‌های تأییدشده، جلسه‌ای حضوری میان مورایس و نمایندگان باشگاه در استانبول برگزار شده که طی آن، طرفین به گفت‌وگوی فنی و اقتصادی پرداخته‌اند. گفته می‌شود توافقات اولیه در برخی زمینه‌ها حاصل شده اما پرونده هنوز کامل نشده و همه چیز منوط به جمع‌بندی هیأت مدیره و بررسی جزئیات نهایی قرارداد است.

#### ■ دی‌بوئر؛ شناسنامه‌دار اما دور از واقعیت

دومین نامی که در فهرست مذاکرات مدیران استقلال به چشم می‌خورد، فرانک دی‌بوئر است؛ قهرمانی که نیز به معرفی ندارد. سرمربی سابق تیم‌ملی هلند، آژاکس، اینتر و کریستال پالاس، با رزومه‌ای پررنگ وارد این فهرست شده اما

### استقلال در برزخ تصمیم

رفتن مدیران استقلال به اروپا، تنها یک سفر کاری ساده نبوده است؛ آنها با پرونده‌هایی پر از تحلیل، گزارش فنی و شروط اقتصادی مربیان بازگشته‌اند. حالا تصمیم‌گیری در این باره، نه فقط یک انتخاب ورزشی، بلکه تصمیمی راهبردی برای آینده باشگاه خواهد بود. باشگاهی که بی‌ثباتی پشت سر گذاشته، اکنون نیاز به سرمربی‌ای دارد که هم در داخل زمین تأثیرگذار باشد و هم در بیرون از آن، قدرت کنترل شرایط را داشته باشد. آیا باشگاه مسیر تکرار را پیش می‌گیرد و به سایننتو بازمی‌گردد؟ یا راه جدیدی را با چهره‌ای تازه آغاز خواهد کرد؟ آیا مورایس، چهره‌ای متعادل و کم‌ریسک، روی نیمکت استقلال می‌نشیند یا یکی از مربیان بزرگ اما ناشناختنی فضای فوتبال ایران، این مسؤلیت را بر عهده خواهد گرفت؟

این پرسش‌ها، در روزهای آینده پاسخ خواهد گرفت اما یک چیز مسلم است؛ استقلال نیاز به انتخابی دقیق، منطقی و به دور از هیجان دارد. فرصتی برای آزمون و خطای دوباره وجود ندارد.

#### ■ منابع نزدیک به باشگاه می‌گویند احتمال حضور او در ایران بسیار ضعیف است.

دی‌بوئر پس از اخراج از الجزیره امارات، در ۱۶ ماه گذشته تیمی را هدایت نکرده و فعلاً در وضعیت دور از فضای مربیگری به سر می‌برد. آنطور که شنیده می‌شود، مذاکره با او بیش از آنکه به مرحله جدی رسیده باشد، بیشتر در حد گفت‌وگویی ابتدایی

و بدون توافق روشن بوده است. از سوی دیگر، خواسته‌های مالی این مربی و نیز تردیدهای او نسبت به چالش‌های کار در ایران، موجب شده شانس حضورش در استقلال به‌شدت کاهش یابد.

#### ■ کاناوارو؛ نام بزرگ، آینده نامشخص

سومین گزینه‌ای که نامش این روزها به استقلال گره خورده، فابیو کاناوارو، اسطوره فوتبال ایتالیا و کاپیتان تیم قهرمان جهان

در سال ۲۰۰۶ است. او پس از دوران بازی، وارد عرصه مربیگری شد و تجربه‌هایی در گوانگژو، تیانجین، النصر و اخیراً اودینزه و دینامو زاگرب به دست آورد.

کاناوارو که ۱۰ روز پیش از باشگاه دینامو زاگرب اخراج شد، اکنون در دسترس است و ظاهراً مذاکرات اولیه با او از سوی باشگاه استقلال انجام شده است. با این حال، او نیز مانند دی‌بوئر، تجربه موفقی در فوتبال غرب آسیا نداشته و اساساً شناختی از فضای فوتبال ایران و ویژگی‌های آن ندارد. با وجود جذابیت رسانه‌ای و وزن بین‌المللی، هنوز مشخص نیست کاناوارو آمادگی کار در چنین محیطی را دارد یا خیر.

#### ■ سایننتو؛ بازگشت به گزینه آشنا

در کنار نام‌های تازه‌وارد، استقلال نگاهی هم به گذشته دارد. ریکاردو سایننتو، سرمربی پرتغالی اسبق این تیم، پس از جدایی از آبی‌ها راهی قبرس شد و توانست تیم آپولون نیکوزیا را به قهرمانی لیگ برساند. عملکرد او در استقلال، اگرچه با انتقاداتی همراه بود اما در مجموع مثبت ارزیابی شد و حضورش در فینال جام حذفی و قهرمانی در سوپر جام، کارنامه قابل دفاعی برای او بر جا گذاشت. با این حال، بازگشت سایننتو بدون مانع هم نیست. در آخرین بازی رسمی‌اش با استقلال، به دلیل درگیری در فینال جام حذفی مقابل پرسپولیس، با محرومیت ۴ ماهه مواجه شده حکمی که هنوز اجرا نشده است. باشگاه در تلاش است با استناد به بندهای قانونی، محرومیت را به حالت تعلیق درآورده یا آن را کاهش دهد. با این حال، این موضوع همچنان در روند بررسی قرار دارد و می‌تواند روی تصمیم نهایی تأثیر بگذارد.

#### ■ گزینه‌های هلندی در سکوت خبری

در کنار نام‌های مطرح‌شده، اخباری نیز از مذاکرات با چند مربی هلندی دیگر منتشر شده که فعلاً نامی از آنها رسانه‌ای نشده است. ظاهراً این مذاکرات با واسطه‌گری امیر هاشمی‌مقدم، فرورد سال‌های دور استقلال و یکی از چهره‌های ایرانی فعال در فوتبال هلند انجام شده و هنوز در مرحله ابتدایی قرار دارد. گزینه‌های هلندی - غیر از دی‌بوئر - عمدتاً چهره‌هایی هستند که شاید برای فوتبال ایران شناخته‌شده نباشند اما در سیستم فوتبال هلند سابقه فعالیت داشته و به لحاظ فنی، گزینه‌هایی قابل بررسی به حساب می‌آیند.



### بررسی اشتباهاتی که در ویش را تا استعفا پیش برد

## انتخاب‌های اشتباه



و عده مذاکره با «چهره‌های بزرگ جهان» همراه بوده؛ وعده‌هایی که بیشتر رنگ و بوی تبلیغاتی داشت تا واقعیت. گاریدو، با کارنامه‌ای پر از شکست‌های پنهان و موفقیت‌های پراکنده، خیلی زود ناتوانی‌اش را نشان داد. در لیگ قهرمانان آسیا، آنجا که قرار بود نقطه عطف او باشد، تیم شکست خورد و در لیگ نیز نشانی از ثبات ندید. پس از تنها ۱۳ هفته، بدون هیچ دستاوردی، گاریدو رفت اما تبعات این شکست، بر دوش درویش ماند.

جامی به ویت‌ترین پرسپولیس اضافه کرد. اما درویش، به‌رغم این دستاورد، در تمدید قرارداد با او اهمال کرد. زمانی که هواداران انتظار داشتند مدیرعامل، این موفقیت را تثبیت کند، درویش منتظر ماند و اسما را بهانه خانوادگی رفت؛ و در حقیقت، از دست رفت این غفلت‌ناهنای هواداران راندلخور کرد، بلکه بذری‌اعتمادی به مدیریت را نیز در دل آنان کاشت.

#### ■ گاریدو؛ وعده‌ای که باور نشد

ورود ناگهانی خوان کارلوس گاریدو، مربی اسپانیایی، با

باشگاه پرسپولیس، این روزها درگیر زلزله مدیریتی و فنی است که مرکز آن در دفتر مدیرعامل سابق، رضا درویش، شناسایی شده؛ مدبری که پس از موجی از ناراضی‌های هواداران، استعفايش را به‌طور رسمی تقدیم



علی دارابی

هیأت مدیره کرد.

درویش، مردی که زمانی با اعتماد به نفس کامل و بی‌اعتنا به حواشی، خود را ناجی سرخ‌ها معرفی می‌کرد، حالا پس از سلسله تصمیماتی پراهمام و پر خسارت، ناگزیر از ترک صحنه شد. اما آیا این تنها یک استعفا ساده بود؟ یا نتیجه روندی طولانی از انتخاب‌های پرریسک و اعتمادهای نابجا؟ در بررسی دلایل افول مدیریتی درویش، ۳ چهره نقش کلیدی ایفا کردند؛ ۳ انتخاب که هر کدام به تنهایی می‌توانست مسیر پرسپولیس را تغییر دهد اما در عمل، هر ۳ بدل به ضرباتی شدند که پیکر این باشگاه را لرزاند.

#### ■ ویرا؛ یک جام، یک اشتباه

پس از جدایی یحیی گل‌محمدی، اسما ویرا، دستیار وفادار و بی‌حاشیه‌اش، با چارچ سبز بازیکنان و حمایت نسبی هواداران، به عنوان سرمربی معرفی شد. اسما ویرا صدا آمد، کار کرد و در نهایت

■ کار تاال؛ تکرار یک اشتباه  
آخرین حلقه این زنجیره مدیریتی اشتباه، حضور اسماعیل کرآتال روی نیمکت پرسپولیس بود. درست مانند ماجرای گاریدو، درویش دوباره با هیاهوی رسانه‌ای وارد مذاکره با گزینه‌های رنگارنگ شد اما در نهایت، کار را به یک مربی ترکیه‌ای سپرد که هرگز نتوانست انتظارات را برآورده کند. کار تاال نه تنها چهره‌های کارزماتیک نداشت، بلکه در میدان نیز چیزی به تیم اضافه نکرد. شکست برابر سپاهان در ورزشگاه آزادی، آخرین میخ بر تابوت مدیریت درویش بود.

#### ■ فرجام یک دوره پر فراز و فرود

درویش در نهایت بهای انتخاب‌های غلطش را پرداخت؛ از اهمال در تمدید با سرمربی موفق گرفته تا اعتماد به چهره‌هایی که نتوانستند انتظارات را پاسخ دهند. هواداران، صبور و امیدوار، بارها منتظر تغییرات سازنده ماندند اما آنچه دیدند، تصمیمات غیرقابل دفاع و بی‌برنامگی مفرط بود.

شاید درویش هنوز هم باور داشته باشد نیتش خیر بود اما در دنیای حرفه‌ای فوتبال، نتیجه حرف آخر را می‌زند. حالا پرسپولیس در آستانه فصلی تازه، نیازمند مدیریتی نو، نگاهی تازه و برنامه‌ای شفاف است، چرا که تنها نام این باشگاه، برای قهرمانی کافی نیست.

### والورده، لالیگا را زنده نگه داشت



### هدیه خداحافظی ترنت



### والورده، لالیگا را زنده نگه داشت



### گرش سرخ ترنت

